

یک توسعه پرشتاب

نگاهی به افزایش جمعیت دانش آموزی مدارس استعدادهای درخشان

توسعه مدارس استعدادهای درخشان و تحت شمول دادن هرچه بیشتر دانش آموزان واجد شرایط در سراسر کشور، روندی بود که از ابتدای تأسیس سمپاد دنبال می‌شد. مبنای تأسیس مراکز جدید تا سال ۱۳۸۷، شرایط خاصی بود که توسط هیئت امنای سازمان تعیین شده بود. اما از سال تحصیلی بعد، شیب رشد تعداد مدارس و دانش آموزان استعدادهای درخشان به یکباره چند برابر شد. برای توجیه این شتاب بالا که مطابق با نظر وزرای وقت آموزش و پرورش برای توسعه مدارس خاص بود، ضوابط جدیدی برای راهاندازی مراکز تازه و جذب دانش آموزان بیشتر تدوین شد. نتایج گسترش پرسرعت دامن، مدارس استعدادهای درخشان، از مسائل بسیار مهمی است که بررسی دقیق کارشناسان خبره را می‌طلبد.

روند توسعه مدارس استعدادهای درخشان در هشت سال گذشته و تعداد دانش آموزان مشغول به تحصیل در آنها را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد:

سال تحصیلی	تعداد مدارس	تعداد دانش آموزان
۱۳۸۴-۸۵	۲۲۱	۴۲۷۰۰
۱۳۸۵-۸۶	۲۳۴	۴۶۲۰۰
۱۳۸۶-۸۷	۲۶۲	۵۰۳۰۰
۱۳۸۷-۸۸	۲۷۸	۵۳۹۰۰
۱۳۸۸-۸۹	۳۳۵	۶۰۲۶۰
۱۳۸۹-۹۰	۳۵۸	۶۵۹۸۰
۱۳۹۰-۹۱	۴۳۹	۸۹۰۰۰
۱۳۹۱-۹۲	۵۳۴	۱۰۵۸۳۰
۱۳۹۲-۹۳	۶۶۲	۱۴۰۱۸۷



عوامل افزایش جمعیت دانش‌آموزی

افزایش حدوداً هشتاد هزار نفری جمعیت دانش‌آموزی مدارس استعدادهای درخشان در پنج سال اخیر را می‌توان حاصل چهار عامل زیر دانست:

(۱) **تأسیس مدارس جدید:** ایجاد مراکز جدید را باید در دو بخش نسبتاً متفاوت «تأسیس مدارس استعدادهای درخشان در شهرستان‌ها و مناطق آموزشی فاقد این مدارس» و «توسعه مدارس استعدادهای درخشان در کلان‌شهرها و دیگر مراکز استان‌ها» مورد توجه قرار داد. تأسیس مدارس جدید، مهم‌ترین عامل افزایش ناگهانی جمعیت دانش‌آموزی استعدادهای درخشان بوده است و تأثیر این عامل، دست‌کم تا سه سال پس از تأسیس هر مدرسه باقی می‌ماند.

(۲) **افزایش تعداد کلاس‌های درس:** این افزایش عمدتاً متأثر از سیاست کلی وزارت آموزش و پرورش در سال‌های اخیر برای استفاده حداکثری از تمام فضاهای کالبدی قابل تبدیل به کلاس درس در مدارس به منظور حذف مدارس نوبت دوم صورت گرفته است. البته در مواردی نیز این افزایش تحت تأثیر مطالبه اولیای دانش‌آموزان داوطلب ورود به مدارس استعدادهای درخشان و با پیگیری مسئولان محلی (علی‌الخصوص نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی) و در مواردی بدون در نظر گرفتن ملاحظات کارشناسی صورت گرفته است.

(۳) **افزایش تراکم دانش‌آموز در کلاس‌های درس:** بر اساس مفاد بخش‌نامه سامان‌دهی نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش در سال‌های اخیر، تشکیل کلاس با تراکم کمتر از ۳۰ نفر دانش‌آموز در دوره متوسطه اول و دوم (راهنمایی تحصیلی و متوسطه نظری سابق) در مدارس استعدادهای درخشان مجاز نیست. در نتیجه، در برگزاری آزمون‌های ورودی مدارس استعدادهای درخشان، ظرفیت هر کلاس برابر ۳۰ نفر در نظر گرفته می‌شود. در حالی که در گذشته پذیرش دانش‌آموز در دوره متوسطه اول (راهنمایی تحصیلی سابق) این مدارس بر اساس تراکم ۲۴ نفر در کلاس انجام می‌شد. نتیجه عملی این سیاست، تشکیل کلاس‌هایی با تراکم بیش از ۳۵ نفر در دوره متوسطه دوم (متوسطه نظری سابق) است.

(۴) **برگزاری آزمون‌های تکمیل ظرفیت مدارس:** تراکم دانش‌آموز در بعضی از کلاس‌های درس در مدارس استعدادهای درخشان، در سال‌های تحصیلی مختلف و به دلایل گوناگون (از جمله انتقال یا اخراج تعدادی از دانش‌آموزان) کاهش می‌یابد. اما شاید مهم‌ترین دلیل این موضوع، تقسیم دانش‌آموزان در رشته‌های تحصیلی مختلف در سال دوم متوسطه نظری است که سبب می‌شود کلاس‌های برخی از رشته‌ها با تراکم حدود ۲۰ نفر شکل بگیرند.



در سال‌های اخیر، بر خلاف روال سنوات گذشته، به ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها اجازه داده شد با برگزاری آزمون تکمیل ظرفیت، تراکم دانش‌آموز در کلاس را به ۳۰ نفر برسانند.

تبعات افزایش جمعیت دانش‌آموزی

افزایش جمعیت دانش‌آموزی مدارس استعدادهای درخشان و خصوصاً روند پرشتاب آن از سال ۱۳۹۰، چالش‌ها و تبعات مختلفی در پی داشته است که رد آن را می‌توان حتی در رسانه‌ها و افکار عمومی در قالب عباراتی مانند «کاهش سطح کیفی خدمات آموزشی و پرورشی مدارس استعدادهای درخشان» و یا «تنزل سطح اعتبار این مدارس در جامعه» مشاهد کرد.

از منظر تخصصی، در این بحث می‌توان به چهار چالش عمده اشاره کرد. ذکر این نکته لازم است که هریک از چالش‌های مشروح ذیل، نتیجه یکی از اشکال افزایش جمعیت دانش‌آموزی بوده است و ممکن است همه آنها در همه مدارس ملموس نباشند.

۱) چالش‌های تأمین منابع مادی و انسانی مورد نیاز: از سال‌های گذشته، یکی از مؤلفه‌های مهم در تأسیس مدارس استعدادهای درخشان، بر خورداری از فضای کالبدی متناسب با نیازها و برنامه‌های ویژه آموزشی و پرورشی این مدارس بوده است؛ به شکلی که بسیاری از مدارس استعدادهای درخشان در زمینی بسیار وسیع ساخته شده و مجهز به فضاهای متعدد و مجهز آزمایشگاهی و کارگاهی، نمازخانه، کتابخانه، لابراتوار زبان و کامپیوتر، غذاخوری و... هستند. این وضعیت، نتیجه صرف وقت و سرمایه کافی برای اختصاص زمین مناسب و ساخت فضاهای آموزشی مناسب بوده است. اما در سال‌های اخیر، از یک سو تأسیس سریع مدارس استعدادهای درخشان خصوصاً در شهرستان‌ها و مناطق آموزشی کوچک، عملاً امکان تحقق این شرط را (به دلیل عدم وجود فضاهای آموزشی دارای ویژگی‌های مورد نظر در این مناطق) از میان برداشته است و از سوی دیگر، بعضاً مدیران برخی مناطق آموزشی (علی‌رغم وجود فضاهای آموزشی دارای ویژگی‌های مورد نظر) حاضر به اختصاص این فضاهای آموزشی به مدارس استعدادهای درخشان نمی‌شوند.

یکی دیگر از مؤلفه‌های مورد نظر در تأسیس مدارس استعدادهای درخشان، برخورداری از نیروی انسانی توانمند جهت ارائه برنامه‌های ویژه آموزشی و پرورشی این مدارس بوده است. در این راستا، اولاً نیروهای دارای تحصیلات، تجربه شغلی و کارایی بالاتر برای فعالیت در مدارس استعدادهای درخشان انتخاب می‌شدند و ثانیاً در طول سال برنامه‌های آموزشی کوتاه‌مدت توجیهی و دانش‌افزایی برای مدیران، معاونان و مربیان این مدارس، به صورت متمرکز و کشوری برگزار می‌گردید. اما در سال‌های اخیر، از یک سو تأسیس باسرعیت مدارس استعدادهای درخشان خصوصاً در شهرستان‌ها و



مناطق آموزشی کوچک، عملاً امکان به کارگیری نیروی انسانی توانمند را (بعضاً به دلیل عدم وجود یا کمبود نیروی انسانی دارای ویژگی‌های مورد نظر در این مناطق) از میان برداشته است و از سوی دیگر، برگزاری دوره‌های توجیهی و آموزشی به دلیل محدودیت‌های مالی و اعتباری و نیز به دلیل افزایش تعداد مخاطبان، با محدودیت‌های جدی مواجه شده است.

و سرانجام، یکی دیگر از مؤلفه‌های مورد نظر در تأسیس مدارس استعدادهای درخشان، وجود جامعه دانش‌آموزی مستعد جهت برنامه‌های ویژه آموزشی و پرورشی این مدارس بوده است. به گونه‌ای که تأثیر هم‌افزایی دانش‌آموزان دارای استعداد برتر در کلاس‌های درس و دیگر محیط‌های یادگیری آموزشی، جای خالی بسیاری از کمبودهای تجهیزاتی و اعتباری را پر می‌کرد و عملاً مهم‌ترین وجه مشخصه مدارس استعدادهای درخشان را تشکیل می‌داد. اما در سال‌های اخیر، تأسیس مدارس جدید استعدادهای درخشان در شهرستان‌ها و مناطق آموزشی با جمعیت دانش‌آموزی کمتر از نصاب‌های مورد نیاز و نیز توسعه تعداد این مدارس و افزایش ظرفیت پذیرش آنها در کلان‌شهرها و دیگر مراکز استان‌ها، سبب ایجاد تغییر در ماهیت بافت اجتماعی و سطح توانایی جامعه دانش‌آموزی مدارس استعدادهای درخشان شده است. در نتیجه، تداوم اجرای بسیاری از برنامه‌های ویژه آموزشی و پرورش مدارس استعدادهای درخشان، با مشکلات جدی در بخش دانش‌آموزی مواجه شده است که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

۲) چالش‌های برنامه‌ریزی هماهنگ آموزشی و تربیتی: یکی از ضروریات مدارس استعدادهای درخشان، علاوه بر نظام ویژه پذیرش دانش‌آموز و برخورداری از فضا و تجهیزات آموزشی و منابع انسانی و مالی مورد نیاز، برنامه درسی (آموزشی و پرورشی) ویژه این مدارس است. این برنامه درسی ویژه باید ضمن هماهنگی با برنامه درسی مدارس عادی، از یک سو «غنی‌سازی» شده باشد و از سوی دیگر «انعطاف» لازم را برای پاسخ‌گویی به ترجیحات استعدادها و علائق و توانایی‌های خاص تک‌تک دانش‌آموزان دارا باشد.

توسعه مدارس استعدادهای درخشان و افزایش تعداد دانش‌آموزان این مدارس، بازه سطح استعداد و قابلیت یادگیری دانش‌آموزان این مدارس را گسترش داده و طبیعتاً این گسترش از سوی پایین نمودار تحقق یافته است. وجود فاصله قابل توجه میان قابلیت یادگیری دانش‌آموزان در کلاس درس، از یک سو سطح «غنی‌سازی» برنامه درسی را تنزل می‌دهد و از سوی دیگر، معلمان را ناگزیر می‌کند بخش بیشتری از توجه خود را معطوف به گروه ضعیف‌تر کلاس بنمایند تا از یادگیری آنها اطمینان کسب نمایند.



نکته دیگر، وجود تفاوت فاحش در میانگین سطح استعداد و قابلیت یادگیری دانش‌آموزان در مدارس مختلف استعدادهای درخشان است. به نحوی که کیفیت جمعیت دانش‌آموزی در برخی مدارس تازه‌تأسیس استعدادهای درخشان خصوصاً در شهرستان‌ها و مناطق کوچک، به دلیل محدودیت جمعیت دانش‌آموزی آن شهرستان‌ها و مناطق، حتی از برخی مدارس نمونه دولتی یا عادی دولتی در برخی کلان‌شهرها نیز پایین‌تر است.

در نتیجه این چالش‌ها، تولید و ارائه برنامه و محتوای درسی هماهنگ و نیز برگزاری آزمون‌های ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی هماهنگ ویژه مدارس استعدادهای درخشان در حال حاضر با مشکلات بسیاری همراه است.

(۳) چالش‌های نظارت و ارزش‌یابی: مدارس استعدادهای درخشان، به دلیل دارا بودن سازمان اداری و مقررات مالی متفاوت نسبت به سایر مدارس و نیز به دلیل ارائه برنامه درسی ویژه (آموزشی، پرورشی و پژوهشی)، نیازمند سرکشی و بازدید مستمر کارشناسان آشنا با مسائل این مدارس، به منظور نظارت بر حسن جریان امور و نیز ارزش‌یابی فعالیت‌های انجام شده هستند. بنابراین، جدا از بازدیدهای معدود مدیران و کارشناسان مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش‌پژوهان جوان، عمده این وظیفه را رؤسا و کارشناسان ادارات استعدادهای درخشان و دانش‌پژوهان جوان استان‌ها بر عهده داشته‌اند.

اما در سال‌های اخیر، افزایش تعداد مدارس استعدادهای درخشان و خصوصاً پراکندگی آنها در شهرستان‌های مختلف و بعضاً دور از مراکز استان‌ها، سبب شده است که رؤسای ادارات استعدادهای درخشان و دانش‌پژوهان استان‌ها نیز نتوانند به صورت مستمر این مدارس را مورد بازدید و سرکشی قرار دهند. چرا که تعداد این مدارس در برخی استان‌ها از ۵۰ واحد نیز عبور کرده است؛ در حالی که اداره استعدادهای درخشان و دانش‌پژوهان استان، با دارا بودن مجموعه بسیار گسترده‌ای از وظایف، تنها با ۲ نفر نیرو (یک نفر رئیس اداره و یک نفر کارشناس) در حال فعالیت است.

نتیجه این تغییر وضعیت، پررنگ‌تر شدن بیشتر نقش ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌ها و مناطق در نظارت بر مدارس استعدادهای درخشان است. این مسئله در کنار توجه به عدم وجود کارشناسان آگاه به موضوعات خاص مدارس استعدادهای درخشان در ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌ها و مناطق، عملاً بیانگر تغییر مسیر آرام مدارس استعدادهای درخشان از اهداف و برنامه‌های ویژه این مدارس به سوی برنامه سایر مدارس خاص موجود در شهرستان‌ها و مناطق آموزشی (از جمله مدارس غیردولتی) است.



۴) **سایر چالش‌ها:** افزایش پرشتاب تعداد مدارس استعدادهای درخشان خصوصاً در کلان‌شهرها و دیگر مراکز استان‌ها، در کنار عدم سرمایه‌گذاری کافی برای شناسایی و آموزش نیروهای انسانی توانمند مورد نیاز این مدارس، سبب ایجاد رقابتی فشرده برای جذب محدود افراد توانمند و شناخته شده جهت تدریس یا انجام دیگر فعالیت‌های آموزشی و پرورشی در این مدارس شده است. در این رقابت که عمده‌تاً با پیشنهاد مبالغ بالاتر پرداختی به این معلمان در جریان است، رقبای دیگری بخصوص در سطح مدارس غیردولتی نیز حضور دارند که از بنیۀ مالی بالایی برای جذب نیروهای توانمند برخوردار هستند. این موضوع، تأثیر بسیار نامناسبی بر رابطه میان معلمان با مدیران مدارس استعدادهای درخشان بر جای گذاشته است.

نکته شایسته توجه ویژه اینکه رقابت منفی میان مدارس استعدادهای درخشان با یکدیگر و با مدارس غیردولتی، گاهی فراتر از عرصۀ معلمان و برخی عوامل آموزشی و اجرایی دیگر، گاهی حتی به عرصۀ رقابت برای جذب دانش‌آموزان برجسته که احتمال کسب موفقیت آنان در المپیادهای علمی دانش‌آموزی و کنکور سراسری ورود به مراکز آموزش عالی بالا است نیز کشیده می‌شود و این موضوع از آسیب‌های بسیار جدی موجود در فضای رقابتی کنونی است.

شاید این چالش‌ها در کوتاه مدت بروز چندانی نداشته باشند، اما در صورت عدم چاره‌اندیشی برای رفع آنها، این مسائل در میان مدت مدارس استعدادهای درخشان را به تدریج از حضور دانش‌آموزان و معلمان سرآمد (که فلسفۀ شکل‌گیری این مدارس بوده است) تهی خواهد کرد.